

راهنمای آموزشی – سطح ابتدایی

Grade 7 & 8

Elementary

*Study
Guide*

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

1st Exam Session: Unit 1 – All about you	2
2nd Exam Session: Unit 2 (T1) – In Class	7
3rd Exam Session: Unit 3 (T1) – Favorite People.....	16
4th Exam Session: Unit 4 (T1) – Everyday Life	23
5th Exam Session: Unit 5 (T1) – Free time	29
6th Exam Session: Unit 7 (T1) – Out and about.....	36
7th Exam Session: Unit 8 (T1) – Shopping.....	41
8th Exam Session: Unit 9 (T1) – A wide world.....	47

1st Exam Session: Unit 1 – All about you
Study Guide – Grade 7 & 8

Part 1: Vocabulary List – Lesson A and B

<i>No</i>	<i>Word</i>	<i>Meaning</i>
1	Hello	سلام
2	Good-bye	خداحافظ
3	Start	شروع کردن
4	Thanks	تشکر
5	Hi	سلام
6	Good morning	صبح بخیر
7	Listen	گوش کردن
8	Friends	دوستان
9	Practice	تمرین کردن
10	Conversation	گفتگو/ محاوره
11	You	شما
12	Fine	خوب
13	Meet	ملاقات کردن
14	Help	کمک کردن
15	Name	اسم
16	Good morning	صبح بخیر
17	Have	داشتن
18	Good	خوب
19	Evening	شام
20	Tomorrow	فردا
21	See	دیدن
22	Later	بعدا
23	Weekend	آخر هفته
24	Next	بعد
25	First name	اسم اول
26	Everyone	همگی
27	Call	صدا زدن

28	Full name	اسم کامل
29	Nickname	لقب
30	Middle name	اسم وسطی
31	Single	مجرد
32	Married	متاهل
33	Husband	شوهر
34	Last name	تخلص
35	Classmate	هم صنفی
36	Wait	منتظر ماندن
37	Class	صنف

Part 2: Sentences – Lesson A and B

No	Sentence	Meaning
1	Are Matt and Sarah friends?	آیا مت و سارا با هم دوست هستند؟
2	How are you?	چطور هستید؟
3	I'm fine, thanks.	من خوبم, تشکر.
4	Nice to meet you.	از ملاقات با شما خوشحالم.
5	I'm Rob Jones.	من راب جونز هستم.
6	Have a good evening.	شام خوبی داشته باشید.
7	See you tomorrow.	فردا میبینمتان.
8	See you later.	بعدا میبینمتان.
9	See you next week.	هفته بعد میبینمتان.
10	My name is Elizabeth.	نام من الیزابت است.
11	But everyone calls me Liz.	اما همه من را لیز صدا میزنن.
12	How do you spell Catherine?	کاترین چطور هجا میشود؟
13	Are you here for an English class?	آیا شما برای صنف انگلیسی اینجا هستید؟
14	Are you Jenny Loo?	آیا شما جنی لو هستید؟
15	We aren't in the same class.	ما در یک صنف نیستیم.
16	My teacher's name is Sarah.	نام معلم من سارا است.
17	Anna is my middle name.	آنا اسم وسطی من است.

Part 3: Grammar – Lesson A and B

The verb be: I, you, and we

To be verbs: They show state or existence.

افعال بودن: آنها حالت و یا موجودیت را نشان میدهند.

1. I am → I'm

من هستم

→ Positive (مثبت):

I + am

Example:

- I am happy. من خوشحال هستم.
- I am Amir. من امیر هستم.
- I am a student. من یک شاگرد هستم.

→ Negative (منفی):

I + am + not

من نیستم

Example:

- I am not happy. من خوشحال نیستم.
- I am not Amir. من امیر نیستم.
- I am not a student. من یک شاگرد نیستم.

→ Interrogative (سوالی):

Am + I

آیا من هستم؟

Example:

- Am I happy? آیا من خوشحال هستم؟
- Am I Amir? آیا من امیر هستم؟
- Am I a student? آیا من یک شاگرد هستم؟

2. We are → We're

ما هستیم

→ Positive (مثبت):

We + are

Example:

- We are happy. ما خوشحال هستیم.
- We are here. ما اینجا هستیم.
- We are students. ما شاگرد هستیم.

→ Negative (منفی):

We + are + not (aren't)

ما نیستیم

Example:

- We are not happy. ما خوشحال نیستیم.
- We are not here. ما اینجا نیستیم.
- We are not students. ما شاگرد نیستیم.

Continue...

→ **Interrogative (سوالی):****Are + we**

آیا ما هستیم؟

Example:

- Are we happy? آیا ما خوشحال هستیم؟
- Are we here? آیا ما اینجا هستیم؟
- Are we students? آیا ما شاگرد هستیم؟

3. **You are → You're**

شما هستید

→ **Positive (مثبت):****You + are****Example:**

- You are happy. شما خوشحال هستید.
- You are here. شما اینجا هستید.
- You are students. شما شاگرد هستید.

→ **Negative (منفی):****You + are + not (aren't)**

شما نیستید

Example:

- You are not happy. شما خوشحال نیستید.
- You are not here. شما اینجا نیستید.
- You are not students. شما شاگرد نیستید.

→ **Interrogative (سوالی):****Are + you****Example:**

- Are you happy? آیا شما خوشحال هستید؟
- Are you here? آیا شما اینجا هستید؟
- Are you students? آیا شما شاگرد هستید؟

Part 4: Vocabulary List – Lesson C and D

No	Word	Meaning
1	Personal	شخصی
2	Information	اطلاعات/ مشخصات
3	Passport	پاسپورت
4	Cell phone	تلفن
5	Language	زبان
6	Member	عضو

7	Please	لطفا
8	Today	امروز
9	Complete	کامل کردن
10	Memberships	عضویت
11	Concert	کنسرت
12	Stranger	بیگانه
13	Guess	حدس زدن
14	Vacation	تعطیلات/ رخصتی
15	Pretty good	خیلی خوب
16	Beautiful	زیبا/ مقبول
17	By the way	راستی/ به هر حال
18	Festival	فستیوال
19	Teacher	معلم
20	Everyday	هرروز
21	Formal	رسمی
22	Expression	اصطلاح
23	Greeting	احوالپرسی
24	Meeting	جلسه

Part 5: Sentences – Lesson C and D

No	Sentence	Meaning
1	Are you a member?	آیا شما عضو هستید؟
2	No, I'm just here for the day.	خیر، من فقط برای یک روز اینجا هستم.
3	What's your email address?	ایمیل آدرس تان چیست؟
4	Complete the membership card.	کارت عضویت را تکمیل کنید.
5	Are you here for the concert?	آیا شما برای کنسرت اینجا هستید؟
6	How are you doing?	چطور هستید؟
7	It's a beautiful day.	امروز یک روز زیباست.
8	So, are you on vacation?	پس، شما در رخصتی هستید؟
9	Yes, I am. By the way, I'm Alicia.	بله من هستم. راستی من آلیشا هستم.
10	I'm here on business.	من برای کار اینجا هستم.
11	Well, have a great vacation.	خب، رخصتی/تعطیلی خوبی داشته باشید.
12	Have a nice day.	روز خوبی داشته باشید.

**2nd Exam Session: Unit 2 (T1) – In Class
Study Guide – Grade 7 & 8**

Part 1: Vocabulary List – Lesson A and B

<i>No</i>	<i>Word</i>	<i>Meaning</i>
1	Maybe	شاید
2	Sick	مريض/ بیمار
3	Cafeteria	قهوه خانه
4	Late	دیر/ دیر وقت
5	Asleep	خواب
6	Who	کی؟
7	Absent	غیر حاضر
8	Present	حاضر
9	What	چی؟
10	Bag	کیف/ بیگ
11	Vocabulary	لغت نامه
12	Water bottle	بوٹل آب
13	Notebook	کتابچه
14	English book	کتاب انگلیسی
15	Cell phone	تلفن
16	Umbrella	چتری
17	Pen	قلم
18	Pencil	پنسل
19	Eraser	پنسل پاک
20	Watch	ساعت دستی
21	Snack	خوراکی/ خوراکی مختصر
22	Wallet	کیف پول
23	Laptop	لپ تاپ
24	Online dictionary	فرهنگ لغات آنلاین
25	Highlighter	هایلایتر/ نشانی کننده
26	Headphones	هدفون/ گوشکی
27	Plural	جمع

28	Regular	منظم/ باقاعده
29	Irregular	بی قاعده
30	Thanks	تشکر
31	Sunglasses	عینک آفتابی
32	Brushes	برس
33	Credit cards	کارت (در خارج از کشور به کارت قرضه کریڈت کارت گفته میشود)
34	Sandwiches	ساندویچ
35	Library	کتابخانه

Part 2: Sentences – Lesson A and B

No	Sentence	Meaning
1	Where is Hiroki? Is he here today?	هیروکی کجاست؟ آیا او امروز اینجا است؟
2	I think she is sick.	من فکر میکنم او مریض است.
3	I think he is asleep.	فکر کنم که او خواب است.
4	So, is the grammar test today?	پس، آیا امتحان گرامر امروز است؟
5	Where are the students test papers?	ورق های امتحان شاگردان کجاست؟
6	I don't know, sorry.	من نمیفهمم، ببخشید.
7	It's right here in my coat pocket.	او درست اینجا در جیب کت است.
8	Is this your cell phone?	آیا این تلفن شماست؟
9	She is not in the class.	او در صنف نیست.
10	Maybe he is at work.	شاید او سرکار باشد.

Part 3: Grammar – Lesson A
The verb be: He, she, and they

1. He is → He's او (مرد) است

→ **Positive**(مثبت):

He + is

Example:

- He is happy. او (مرد) خوشحال است.
- He is here. او (مرد) اینجا است.
- He is a student. او (مرد) یک شاگرد است.

→ **Negative**(منفی):

He + is + not(isn't) او (مرد) نیست

Example:

- He is not happy. او (مرد) خوشحال نیست.
- He is not here. او (مرد) اینجا نیست.
- He is not a student. او (مرد) یک شاگرد نیست.

→ **Interrogative**(سوالی):

Is + he

آیا او مرد است؟

Example:

- Is he happy? آیا او (مرد) خوشحال است؟
- Is he here? آیا او (مرد) اینجا است؟
- Is he a student? آیا او (مرد) یک شاگرد است؟

2. She is → She's او (خانم) است

→ **Positive**(مثبت):

She + is

Example:

- She is happy. او (خانم) خوشحال است.
- She is here. او (خانم) اینجا است.
- She is a student. او (خانم) یک شاگرد است.

→ **Negative**(منفی):

She + is + not(isn't) او (خانم) نیست

Example:

- She is not happy. او (خانم) خوشحال نیست.
- She is not here. او (خانم) اینجا نیست.
- She is not a student. او (خانم) یک شاگرد نیست.

→ **Interrogative**(سوالی):

Is + she

آیا او خانم است؟

Example:

- Is she happy? آیا او (خانم) خوشحال است؟
- Is she here? آیا او (خانم) اینجا است؟

3. They are → They're

آنها هستند

→ *Positive* (مثبت):

They + are

Example:

- They are happy. آنها خوشحال هستند.
- They are here. آنها اینجا هستند.
- They are students. آنها شاگردان هستند.

→ *Negative* (منفی):

They + are + not (aren't)

آنها نیستند

Example:

- They are not happy. آنها خوشحال نیستند.
- They are not here. آنها اینجا نیستند.
- They are not students. آنها شاگردان نیستند.

→ *Interrogative* (سوالی):

Are + they

آیا آنها هستند؟

Example:

- Are they happy? آیا آنها خوشحال هستند؟
- Are they here? آیا آنها اینجا هستند؟
- Are they students? آیا آنها شاگردان هستند؟

Grammar – Lesson B

This and these; noun plurals

This and These: They are demonstratives.

آنها اشاره کننده ها هستند.

This (این): one thing and singular.

به یک چیز نزدیک و مفرد اشاره میکند.

Example:

- *This is my book.* این کتاب من است.
- *This is a cell phone.* این یک تلفن است.
- *This is a bag.* این یک کیف است.

These (اینها): more than one and plural.

به چند چیز نزدیک و جمع اشاره میکند.

Example:

- *These are my pens.* اینها قلم های من هستند.
- *These are cows.* اینها گاوها هستند.
- *These are books.* اینها کتاب ها هستند.

Nouns plurals (شکل جمع اسم ها):

1. Regular plurals (جمع های با قاعده) → add s/es

اضافه کنید s/es.

_ add (es) for words ending in (s, sh, ch, x, o)

برای کلمات که با این حروف (s, sh, ch, x, o) ختم میشوند (es) اضافه کنید.

Examples:

Bus → *buses*

Box → *boxes*

watch → *watches*

_ add (s) for rest of them.

برای باقی کلمات تنها (s) اضافه کنید.

Examples:

Book → *books*

pen → *pens*

car → *cars*

2. Irregular plurals (جمع های بی قاعده): do not follow rules.

قانونی ندارد.

Examples:

Man → *Men*

child → *children*

woman → *women*

Part 4: Vocabulary List – Lesson C and D

<i>No</i>	<i>Word</i>	<i>Meaning</i>
1	Classroom	صنف درسی
2	Window	پنجره
3	TV	تلویزیون
4	Clock	ساعت دیواری
5	Door	دروازه
6	Calendar	تقویم
7	Table	میز غذاخوری
8	Workbook	کتاب کار
9	Player	بازیکن
10	Board	تخته
11	Map	نقشه
12	Closet	قفسه/کمد
13	Computer	کمپیوتر
14	Wastebasket	سطل آشغال
15	Desk	میز تحریر
16	Chair	چوکی
17	Drawer	کشو/ روک
18	Marker	مارکر
19	Scissors	قیچی
20	Poster	پوستر
21	Umbrella	چتری
22	In front of	پیش روی
23	Next to	در کنار/ پهلو
24	Under	در زیر
25	In	در داخل
26	Test	امتحان
27	Pocket	جیب
28	Spell	هجا کردن
29	Excuse	عذر/ بهانه

30	Know	شناختن / فهمیدن
31	Borrow	قرض گرفتن
32	Welcome	خوشآمد
33	Repeat	تکرار کردن
34	Word	کلمه

Part 5: Sentences – Lesson C and D

No	Sentence	Meaning
1	So, is the grammar test today?	پس، آیا امتحان گرامر امروز است؟
2	This is the teacher's book.	این کتاب استاد است.
3	Can I borrow your pencil?	آیا میتوانم پینسل شما را قرض بگیرم؟
4	Sure.	حتماً.
5	Here you go.	بفرمایید.
6	You're welcome.	خواهش میکنم.
7	Open your books.	کتاب های تان را باز کنید.
8	Excuse me, can you repeat that, please?	ببخشید، میتوانی دوباره تکرارش کنی لطفاً؟
9	Close your books.	کتاب های تان را بسته کنید.
10	Listen to the conversation.	به گفتگو گوش کنید.
11	Read the questions aloud.	سوالات را با صدای بلند بخوانید.
12	Write the answers in your notebook.	جواب هارا در کتابچه هایتان بنویسید.

Unit 3 (T1) – Favorite People

Part 6: Vocabulary – Lesson A and B

No	Word	Meaning
1	Favorite	مورد علاقه/ دلخواه
2	People	مردم
3	Artist	هنرمند
4	Singer	آوازخوان
5	Actor	بازیگر (مرد)
6	Writer	نویسنده
7	Celebrities	آدم معروف/ فرد مشهور
8	Good-looking	خوش قیافه / جذاب
9	Great	عالی
10	Else	دیگر
11	Album	آلبوم
12	Voice	صدا
13	Famous	مشهور
14	Sports	ورزش ها
15	Tennis player	بازیکن تنیس
16	Matches	مسابقات
17	Exciting	هیجان انگیز
18	Remote	ریموت/ کنترل
19	Fan	طرفدار
20	Band	باند/ گروه
21	High school	مکتب متوسطه
22	Interesting	جالب
23	Lazy	تنبل
24	Friendly	صمیمی
25	Outgoing	خوش برخورد/ اجتماعی
26	Smart	باهوش
27	Quite	آرام
28	Shy	خجالتی

29	Nice	عالی
30	Fun	جالب
31	Neighbors	همسایه ها

Part 7: Sentences – Lesson A and B

No	Sentence	Meaning
1	Who's that?	او کیست؟
2	He is my favorite actor.	او (مرد) بازیگر مورد علاقه من است.
3	He is so good looking.	او واقعا عالی به نظر میرسد.
4	What else is on?	دیگر چی در حال پخش است؟
5	His new movie is great.	فلم جدید او عالی است.
6	I love her new album.	من آلبوم جدید او را دوست دارم.
7	Her voice is amazing.	صدای او خانم شگفت انگیز است.
8	She's a famous singer.	او خانم یک آوازخوان مشهور است.
9	How about some sports.	در مورد بعضی ورزش ها چی فکر میکنی؟
10	They are my favorite tennis players.	آنها بازیکن تنیس مورد علاقه من هستند.
11	Their matches are always exciting.	مسابقات آنها همیشه هیجان انگیز است.
12	You are a tennis fan, right?	شما طرفدار تنیس هستید نه؟
13	Where is the remote?	ریموت کجاست؟
14	You know I am not a football fan.	میفهمی که من طرفدار فوتبال نیستم.
15	This is Jenn, a friend from high school.	این جین است، یک دوست از دوران مکتب متوسطه.
16	She's very interesting.	او خیلی جالب است.
17	This is my neighbor and his son.	این همسایه من و پسرش هستند.
18	My neighbor is friendly and outgoing.	همسایه من صمیمی و خوش برخورد هستند.
19	But his son is quiet and shy.	اما پسرش آرام و خجالتی است.
20	My math teacher's very smart.	استاد ریاضی من خیلی باهوش است.

3rd Exam Session: Unit 3 (T1) – Favorite People Study Guide – Grade 7 & 8

Part 1: Grammar – Lesson A and B

Be in statements; possessive adjectives

To Be Verbs:

- Is → *He, She*
- Am → *I*
- Are → *We, You, They*

Possessive Adjectives: They show ownership.

صفات ملکی: آنها ملکیت را نشان میدهند.

Structure: Possessive adjective + noun

Subject	فاعل	Possessive adjective	صفات ملکی
<i>I</i>	من	<i>My</i>	از من
<i>We</i>	ما	<i>Our</i>	از ما
<i>You</i>	شما	<i>Your</i>	از شما
<i>They</i>	آنها	<i>Their</i>	از آنها
<i>He</i>	او (مرد)	<i>His</i>	از او (مرد)
<i>she</i>	او (خانم)	<i>Her</i>	از او (خانم)

Examples:

- | | |
|-------------------------------------|-----------------------------|
| 1. I'm <u>your</u> sister. | من خواهرت هستم. |
| 2. He's <u>my</u> teacher. | او (مرد) معلم من است. |
| 3. She's <u>your</u> mom. | او (خانم) مادر شما است. |
| 4. They're <u>our</u> students. | آنها شاگردان ما هستند. |
| 5. You're <u>their</u> family. | شما فامیل آنها هستید. |
| 6. Ali is <u>his</u> father. | علی پدر او (مرد) است. |
| 7. Sara is <u>her</u> friend. | سارا دوست او (خانم) است. |
| 8. Fatima is <u>my</u> manager. | فاطمه مدیر من است. |
| 9. You are <u>their</u> classmates. | شما هم صنفی های آنها هستید. |
| 10. I'm <u>your</u> dad. | من پدرتان هستم. |

Yes-no questions and answers:

Yes- no Questions: They are questions that you answer with yes/no.

سوالات بله – خیر: این سوالات با بله یا خیر جواب داده میشوند.

Structure: Is/ am/ are + subject + complement?

Questions	Yes	No
1. <i>Am I late?</i>	<i>Yes, you are.</i>	<i>No, you aren't.</i>
2. <i>Are you busy?</i>	<i>Yes, I am.</i>	<i>No, I'm not.</i>
3. <i>Is he tired?</i>	<i>Yes, he is.</i>	<i>No, he isn't.</i>
4. <i>Is she strict?</i>	<i>Yes, she is.</i>	<i>No, she isn't.</i>
5. <i>Is it hard work?</i>	<i>Yes, it is.</i>	<i>No, it isn't.</i>
6. <i>Are we late?</i>	<i>Yes, we are.</i>	<i>No, we aren't.</i>
7. <i>Are they nice?</i>	<i>Yes, they are.</i>	<i>No, they aren't.</i>
8. <i>Is this your pen?</i>	<i>Yes, it is.</i>	<i>No, it isn't.</i>
9. <i>Are you happy?</i>	<i>Yes, I am.</i>	<i>No, I'm not.</i>
10. <i>Is your English good?</i>	<i>Yes, it is.</i>	<i>No, it isn't.</i>

Part 2: Vocabulary List – Lesson C and D

No	Word	Meaning
1	Grandparents	پدرکلان و مادر کلان
2	Grandfather/ grandpa	پدرکلان
3	Grandmother/ grandma	مادر کلان
4	Parents	والدین
5	Father/ dad	پدر
6	Husband	شوهر
7	Wife	خانم
8	Mother/ mom	مادر
9	Aunt	عمه/ خاله
10	Uncle	کاکا/ ماما
11	Cousin	پسر کاکا/ دختر کاکا/ دختر خاله/ دختر عمه
12	Sister	خواهر
13	Brother	برادر
14	Children/kids	اطفال
15	Son	پسر

16	Daughter	دختر
17	Songwriter	نویسنده آهنگ
18	Really	واقعا
19	Show	نشان دادن
20	Interest	شوق/ اشتیاق
21	Painting	نقاشی
22	Mine	از من
23	Originally	اصلا/ ذاتا
24	Professional	حرفه ای
25	Singer	آوازخوان

Part 3: Numbers – Lesson C

<i>Number</i>	<i>Word</i>	<i>Number</i>	<i>Word</i>
10	Ten	28	Twenty-eight
11	Eleven	29	Twenty-nine
12	Twelve	30	Thirty
13	Thirteen	40	Forty
14	Fourteen	50	Fifty
15	Fifteen	60	Sixty
16	Sixteen	70	Seventy
17	Seventeen	80	Eighty
18	Eighteen	90	Ninety
19	Nineteen	100	One hundred
20	Twenty	101	A hundred one
21	Twenty-one	102	A hundred two
22	Twenty-two	103	A hundred three
23	Twenty-three	104	A hundred four
24	Twenty-four	105	A hundred five
25	Twenty-five	106	A hundred six
26	Twenty-six	107	A hundred seven
27	Twenty-seven	108	A hundred eight

Part 4: Sentences – Lesson C and D

No	Sentence	Meaning
1	Who's this?	این کیست؟
2	My grandma. And this is my grandpa.	مادر کلانم. و این پدر کلانم است.
3	He's a nice man. He's seventy-eight now.	او مرد خوبی است. او 78 ساله است.
4	Really? And how old is your grandmother?	واقعا؟ مادر کلانت چند ساله است؟
5	She's seventy-two.	او 72 ساله است.
6	She's very pretty. What's her name?	او خیلی زیباییست. نامش چیست؟
7	That's a nice name. so where are your grandparents from originally?	نام خوبی است. مادر کلان و پدر کلانت از کجا هستند؟
8	They are from Afghanistan.	آنها از افغانستان هستند.
9	What's that?	او چیست؟
10	It's a painting. I know the artist. She's a friend of mine.	یک نقاشی است، هنرمندش را میشناسم. او یکی از دوستانم است.
11	Where is she from?	او (خانم) از کجا است؟
12	Balkh originally.	او اصلا از بلخ است.
13	Is she a professional artist?	آیا او یک هنرمند ماهر / حرفه ای است؟
14	What are her songs like?	آهنگ های او چطوری هستند؟
15	Her paintings are good.	نقاشی های او خوب هستند.

Part 5: Grammar – Lesson C and D

Information questions with be

Information Questions (سوالات معلوماتی): They are questions that need more information (not just yes/no).

آنها سوالاتی هستند که نیاز به معلومات بیشتر دارند نه فقط بله یا خیر.

- They start with WH-Words.

آنها با (WH-Words) شروع میشوند.

- **WH-Words:**

1. What? چی؟
2. Where? کجا؟
3. Who? کی؟
4. Why? چرا؟
5. When? چی وقت؟
6. How? چطور؟

Continue...

Structure:

Wh-Word + am/ is/ are + subject + (complement) ?

Examples:

- | | |
|---------------------------------|------------------------|
| 1. <i>What's your name?</i> | نامتان چیست؟ |
| 2. <i>Where are they?</i> | آنها کجا هستند؟ |
| 3. <i>Why are you here?</i> | چرا شما اینجا هستید؟ |
| 4. <i>What are their names?</i> | نام های آنها چیست؟ |
| 5. <i>Who is he?</i> | او (مرد) کیست؟ |
| 6. <i>Where are you from?</i> | شما از کجا هستید؟ |
| 7. <i>How are you?</i> | چطور هستید؟ |
| 8. <i>How are your parents?</i> | والدین تان چطور هستند؟ |
| 9. <i>How old are you?</i> | چند ساله هستید؟ |
| 10. <i>Where is she from?</i> | او (خانم) از کجا است؟ |

Unit 4 (T1) Everyday life

Part 6: Vocabulary List – Lesson A and B

No	Word	Meaning
1	Morning	صبح
2	Typical	معمولی
3	Home	خانه
4	Pretty busy	خیلی مصروف/ مشغول
5	Get up	بلند شدن
6	Early	زود
7	Check	چک کردن
8	Weekdays	روزهای هفته
9	Study	درس خواندن
10	Noisy	پر سروصدا
11	Try	تلاش کردن
12	Noise	سروصدا
13	Care	متوجه بوده/ مراقب بودن
14	Crazy	دیوانه کننده
15	Breakfast	صبحانه
16	Car	موتور
17	Drive	راننده گی کردن
18	Quite	آرام
19	Talk	صحبت کردن
20	Routines	روال/ جریان عادی/ روزمره
21	Clean	پاک کردن
22	Play sports	ورزش کردن
23	House	خانه
24	Laundry	لباسشویی
25	Shopping	خرید

Days of the week: Lesson B

Word	Meaning
Saturday	شنبه
Sunday	یکشنبه
Monday	دو شنبه
Tuesday	سه شنبه
Wednesday	چهارشنبه
Thursday	پنجشنبه
Friday	جمعه

Part 7: Sentences – Lesson A and B

No	Sentence	Meaning
1	What's a typical morning like in your home?	یک صبح معمولی در خانه شما چطوری است؟
2	Well, I'm pretty busy.	خوب، من خیلی مصروف هستم.
3	I get up early and check my email.	من صبح وقت بلند شده و ایمیل خود را چک میکنم.
4	I listen to the radio – I don't watch TV on weekdays.	من به رادیو گوش میدهم، من در روزهای هفته تلویزیون نمی بینم. (منظور از روزهای هفته روزهای کاری است)
5	Then I study.	بعد، درس میخوانم.
6	I try to study, but my brother and sister make a lot of noise.	من کوشش میکنم که درس بخوانم اما برادر و خواهرم سروصدای ایجاد میکنند.
7	My sister watches TV and my brother plays games on the computer.	خواهرم تلویزیون تماشا میکند و برادرم در کامپیوتر بازی میکند.
8	We get up late, so I eat breakfast in the car.	ما دیر بلند میشویم پس من در داخل موتر صبحانه میخورم.
9	My husband doesn't have breakfast, he drives.	شوهرم صبحانه نمیخورد، او راننده گی میکند.
10	Well, my wife and I read newspaper. I have breakfast, and my wife has coffee.	خوب، خانم و من روزنامه میخوانیم. من صبحانه میخورم و او قهوه مینوشد.
11	We are pretty quiet; we don't talk a lot.	ما خیلی آرام هستیم: زیاد صحبت نمی کنیم.
12	Do you take a class in the evening?	آیا شما در شام صنف میگیرید؟
13	Do you and your family eat together on Sundays?	آیا شما و خانواده تان در روزهای یکشنبه باهم غذا میخورید؟
14	Do your friends call you in the evening?	آیا دوستانتان در شام به شما زنگ میزنند؟
15	Do your best friend meet you after class?	آیا بهترین دوستان بعد از صنف به دیدن تان میآید؟

4th Exam Session: Unit 4 (T1) – Everyday Life
Study Guide – Grade 7 & 8

Part 1: Grammar – Lesson A and B

Simple Present Tense:

Simple present tense: It shows daily activities, general facts, and habits.

زمان حال ساده: این زمان فعالیت های روزمره، حقایق عمومی، و عادت هارا نشان میدهند.

Helping verb: Do/Does

فعل کمکی

Main verb: 1st (v)

فعل اصلی

نوت: فعل کمکی در یک جمله، کمک میکند تا یک جمله مثبت به منفی و سوالی تبدیل شود. و همزمان فعل اصلی نشان دهنده زمان در یک جمله هست.

Structure: I, we, you, they

- + → Subject + verb + object / complement.
- → Subject + don't (do not) + object/complement.
- ? → Do + subject + object/complement?

Structure: He, she, it

- + → Subject + verb + s/es + object / complement.
- → Subject + doesn't (does not) + object/complement.
- ? → Does + subject + object/complement?

Examples:

- | | |
|---|--|
| <p>1. <i>I study English.</i>
 <i>I don't study English.</i>
 <i>Do I study English?</i></p> | <p>6. <i>She washes the dishes.</i>
 <i>She doesn't wash the dishes.</i>
 <i>Does she wash the dishes?</i></p> |
| <p>2. <i>We play football.</i>
 <i>We don't play football</i>
 <i>Do we play football?</i></p> | <p>7. <i>It hurts.</i>
 <i>It doesn't hurt.</i>
 <i>Does it hurt?</i></p> |
| <p>3. <i>They have fun.</i>
 <i>They don't have fun.</i>
 <i>Do they have fun?</i></p> | <p>8. <i>I do my homework.</i>
 <i>I don't do my homework.</i>
 <i>Do I do my homework?</i></p> |
| <p>4. <i>You read a book.</i>
 <i>You don't read a book.</i>
 <i>Do you read a book?</i></p> | <p>9. <i>They sing a song.</i>
 <i>They don't sing a song.</i>
 <i>Do they sing a song?</i></p> |
| <p>5. <i>He reads a journal.</i>
 <i>He doesn't read a journal.</i>
 <i>Does he read a journal?</i></p> | |

Yes-no questions and short answers:

Yes- no Questions: They are questions that you answer with yes/no.

سوالات بله – خیر: این سوالات با بله یا خیر جواب داده میشوند.

Structure: Do/Does+ subject + object/ complement?

Questions	Yes	No
11. Do you go to school?	Yes, I do.	No, I don't.
12. Does he have a bag?	Yes, he does.	No, he doesn't.
13. Do we have fun?	Yes, we do.	No, we don't.
14. Does it hurt?	Yes, it does.	No, it doesn't.
15. Do I ignore you?	Yes, you do.	No, you don't.
16. Does he share his food?	Yes, he does.	No, he doesn't.
17. Do they cook?	Yes, they do.	No, they don't.
18. Do we have any problem?	Yes, we do.	No, we don't.

Part 2: Vocabulary List – Lesson C and D

No	Word	Meaning
1	Before	قبل از
2	TV station	شبکه تلویزیونی
3	Part-time	نیمه وقت
4	Intern	کارآموز
5	Similar	مشابه
6	Fact	حقیقت
7	Full-time	تمام وقت
8	Spend	گذرانیدن
9	Half	نیم
10	Find out	پی بردن/ کشف کردن
11	Quiz	پرسش
12	Chinese	چینی
13	Average	معمولی/ عادی

Part 3: Sentences – Lesson C and D

No	Sentence	Meaning
1	I see you here all the time. Do you work out every day?	من همیشه شما را اینجا میبینم. آیا شما هر روز در بیرون کار دارید؟
2	Well, I come here before class.	خب, من قبل از صنف اینجا میآیم.
3	I'm a part-time law student. And I work at a TV station, too.	من یک شاگرد حقوق نیمه وقت هستم و همچنان در یک شبکه تلویزیونی کار میکنم.
4	I'm an intern. Do you come here every day?	من یک کارآموز هستم. آیا هر روز اینجا میآیید؟
5	Do you live around here?	آیا شما در این اطراف زندگی میکنید.
6	Do you work eight hours a day? Then you are similar to the typical American.	آیا شما 8 ساعت در روز کار میکنید؟ پس شما مثل یک آمریکایی معمولی هستید.
7	In fact, the average American with a full-time job works just over 8 hours a day.	در حقیقت, یک آمریکایی معمولی با یک کار تمام وقت, فقط بالای 8 ساعت در روز کار میکند.
8	How much time do you spend on the internet?	چقدر از وقت تانرا در اینترنت صرف میکنید؟
9	The average American spends just under two and half hours a day online.	یک فرد آمریکایی معمولی معمولاً کمتر از 2 و نیم ساعت در روز را آنلاین میگذرانند.
10	So do you live your life like the average American?	خب آیا زندگی تان مثل یک آمریکایی معمولی است؟
11	Do you sing in the shower?	آیا شما در زیر دوش آواز میخوانید؟
12	Do you have a pet?	آیا شما یک حیوان خانگی دارید؟
13	Do you use public transportation every day?	آیا شما هر روز از وسایط نقلیه دولتی استفاده میکنید؟
14	Do you exercise every day?	آیا شما هر روز ورزش میکنید؟
15	Do you eat at a restaurant three times a week?	آیا 3 بار در هفته در رستوران غذا میخورید؟
16	She has English classes over 18 hours a week.	او (خانم) در هفته بیشتر از 18 ساعت را صنف انگلیسی دارند.
17	She studies about two hours every night.	او (خانم) هر شب دو ساعت را درس میخواند.
18	She also takes a Chinese class on Saturdays.	او (خانم) همچنان در شنبه ها صنف زبان چینی دارد.

Unit 5 (T1) Free Time

Part 4: Vocabulary List – Lesson A and B

No	Word	Meaning
1	Going out	بیرون رفتن
2	Free time	وقت آزاد
3	Survey	نظرسنجی
4	Once	یکبار
5	Twice	دوبار
6	Gym	ورزشگاه
7	Relax	استراحت کردن
8	Rent	کرایه کردن
9	Month	ماه
10	Special occasions	مناسبت خاص
11	Delicious	خوشمزه
12	Sorry	متاسف
13	Hardly	به سختی
14	Serious	جدی
15	Dinner	غذای شام
16	Never	هرگز
17	Commercials	تجارتی/بازرگانی
18	During	در جریان
19	Cartoon	کارتون
20	Talk show	نمایش بحث
21	Game show	نمایش بازی
22	Documentary	مستند
23	Reality show	نمایش واقعیت
24	Sitcom (situational comedy)	سریال کمدی
25	News	اخبار
26	Hate	تنفر داشتن
27	Stand	تحمل کردن
28	Like	علاقه داشتن/ خوش داشتن
29	Homework	کار خانگی

Part 5: Sentences – Lesson A and B

No	Sentence	Meaning
1	How often do you go out?	هرچند وقت یکبار بیرون میروی؟
2	Once or twice a week.	یکبار یا دوبار در هفته.
3	When do you usually go out?	معمولا چی وقت بیرون میروی؟
4	Where do you go?	کجا میروید؟
5	Who do you go out with?	با کی بیرون میروید؟
6	How often does your family eat out together?	چند وقت یکبار فامیل تان باهم بیرون غذا میخورند؟
7	What do you do in your free time at home?	در خانه در وقت آزاد خود چیکار میکنید؟
8	I eat out once a week.	من یکبار در هفته در بیرون غذا میخورم.
9	This soap is delicious.	این شوربا/ سوپ خوشمزه است.
10	I hardly watch TV.	من به سختی/ خیلی کم تلویزیون میبینم.
11	Are you serious?	جدی هستی؟
12	I mean, you never talk to me.	یعنی، تو هیچوقت با من صحبت نمیکنی.
13	I talk to you during the commercials.	من در جریان اعلانات بازرگانی با تو صحبت میکنم.
14	I love reality shows.	من نمایش های حقیقی را دوست دارم.
15	I hate it.	ازین نفرت دارم.
16	I can't stand this movie.	نمیتوانم این فلم را تحمل کنم.

Part 6: Grammar – Lesson A

Simple Present Information Questions

Information Questions: They ask for more information.

سوالات معلوماتی: آنها برای معلومات بیشتر سوال میکنند.

Wh-words

- *What?* چی؟
- *Who?* کی؟
- *How?* چطور؟
- *When?* چی وقت؟
- *How often?* چند مدت یکبار؟
- *Where?* کجا؟

Structure:

Wh-Words + do/does + subject + object/complement?

Examples:

- | | |
|--|---|
| 1. <i>What do you do in your free time?</i> | در وقت آزاد خود چیکار میکنید؟ |
| 2. <i>Who do you go out with?</i> | با کی بیرون میروید؟ |
| 3. <i>When does she go out?</i> | او (خانم) چیوقت بیرون میروند؟ |
| 4. <i>How often does he eat out?</i> | او (مرد) چند مدت یکبار در بیرون غذا میخورد؟ |
| 5. <i>Where do they go on Saturday nights?</i> | آنها شب های شنبه کجا میروند؟ |
| 6. <i>What do you want?</i> | شما چی میخواهید؟ |
| 7. <i>Where does he go?</i> | او (مرد) کجا میروند؟ |
| 8. <i>Who do they meet?</i> | آنها کی را ملاقات میکنند؟ |
| 9. <i>When does she come?</i> | او (خانم) چی وقت میآید؟ |
| 10. <i>How often do you go out?</i> | چند مدت یکبار بیرون میروید؟ |

**5th Exam Session: Unit 5 (T1) – Free time
Study Guide – Grade 7 & 8**

Part 1: Vocabulary – Lesson C and D

<i>No</i>	<i>Word</i>	<i>Meaning</i>
1	Straight	مستقیم/ صاف
2	Usually	معمولا
3	Dinner	غذای شام
4	Mean	خسیس/ بد جنس
5	Somewhere	یک جایی
6	Cheap	ارزان
7	Service	خدمت
8	Terrible	وحشتناک
9	Server	خدمه/ خدمتکار
10	Technology	تکنالوژی
11	Addict	معتاد/ اعتیاد داشتن به چیزی
12	Diet	غذا/ رژیم غذایی
13	Experts	کارشناسان
14	Problem	مشکل
15	First	اول/ اولین
16	Theater	سینما
17	Useful	مفید
18	Need	نیاز داشتن/ لازم داشتن
19	Site	سایت/ محل
20	Turn off	خاموش کردن
21	Minute	دقیقه
22	Break	تفریح
23	Know	شناختن/ فهمیدن
24	Work	کار کردن

Part 2: Sentences – Lesson C and D

No	Sentence	Meaning
1	Do you go straight home?	آیا مستقیم به سمت خانه میروی؟
2	So what do you do after class?	پس بعد از صنف چیکار میکنی؟
3	Sometimes I meet a friend for dinner.	بعضی وقت ها دوستی را برای غذای شام ملاقات میکنم.
4	Where do you go? I mean, do you go somewhere nice?	شما کجا میروید؟ یعنی، آیا جای خوبی میروی؟
5	The food's good, and it's cheap, but the service is terrible.	این غذا خوب و ارزان است اما خدمات رسانی (سرویس) خیلی بد است.
6	Actually, I work there. I'm a server.	در واقع، من آنجا کار میکنم. من یک خدمه هستم.
7	Do you need a technology diet?	آیا لازم است که استفاده از تکنالوژی را کم کنی؟
8	We text and email friends all day long, and we are always in touch with the office.	ما در تمام روز به دوستان خود پیام میدهیم و ایمیل میزنیم و در اداره نیز باهم در ارتباط هستیم.
9	Some experts say that a lot of people are now "technology addicts" – they spend too much time on computers and phones.	بعضی کارشناسان میگویند که مردم زیادی حالا "معتاد به تکنالوژی" هستند. – آنها زمان زیادی را در گوشی و کمپیوتر میگذرانند.
10	So how do you know if you have a problem?	پس، چطور از مشکلاتت با خبر میشوی؟
11	What's the first thing you do in the morning?	اولین کاری که صبح ها انجام میدهی چیست؟
12	Do you ever go out with one friend and then spend time talking to a different friend on your cell phone?	آیا تا حالا اصلا شده که با یکی از دوستانت بیرون بروی و با دیگری تلفنی صحبت کنی؟
13	Do you answer calls or texts in a movie theater?	آیا تماس ها یا پیام هارا در سینما جواب میدهی؟
14	Technology is very useful.	تکنالوژی خیلی مفید است.
15	Give it a try.	امتحان کن!
16	Turn off your phone... just for a minute.	تلفنت را خاموش کن ... برای یک دقیقه.

Unit 6 (T1) Neighborhood

Part 3: Vocabulary List – Lesson A and B

No	Word	Meaning
1	Stadium	میدان ورزش
2	Mall	مرکز خرید
3	Museum	موزیم
4	Park	پارک
5	Place	جای/ مکان
6	Neighborhood	همسایه گی
7	Home	خانه
8	Convenient	راحت
9	Outdoor	بیرون/ بیرونی
10	Expensive	قیمت/ گران
11	Restaurants	رستوران
12	Club	انجمن
13	After	بعد از
14	Quarter	یک چهارم/ ربع
15	Midnight	نصف شب
16	Noon	چاشت
17	Before	قبل از
18	Finish	تمام کردن
19	Seats	چوکی ها

Part 4: Sentences – Lesson A and B

No	Sentence	Meaning
1	Parkview is convenient. There is a big supermarket and some nice stores, but there is no mall.	در پارک ویو راحتی است. آنجا یک سوپرمارکت بزرگ است با چند تا فروشگاه خوب اما هیچ مرکز خریدی نیست.
2	We need a mall.	ما به یک مرکز خرید نیاز داریم.
3	There are two nice outdoor cafes and a couple of movie theaters.	آنجا دو تا قهوه خانه بیرونی عالی است و چندتا سینما.
4	We have a beautiful little park.	ما یک پارک کوچک قشنگ داریم.
5	What time is it now?	حالا ساعت چند است؟

6	It's eleven.	ساعت 11 است.
7	It's two-oh-five.	ساعت 2 و پنج دقیقه است.
8	It's five after two.	پنج دقیقه از 2 گذشته.
9	It's four fifteen.	ساعت چهار و 15 است.
10	It's a quarter after four.	ساعت چهار و ربع است.
11	It's six-forty-five.	ساعت شش و چهل و پنج است.
12	It's a quarter to seven.	یک ربع مانده به هفت.
13	It's eight-fifty.	ساعت هشت و پنجاه است.
14	It's ten to nine.	ده دقیقه مانده به 9.
15	It's midnight.	نصف شب است.
16	There is a free concert.	یک کنسرت رایگان است.
17	That sounds like fun.	جالب به نظر میرسد.
18	What time does it start?	ساعت چند شروع میشود؟
19	What time do you finish?	ساعت چند تمام میکنی؟
20	They don't usually have a lot of seats.	آنها معمولاً چوکی / سیت زیادی ندارند.
21	Well, in that case, let's get there early.	خب, در آن صورت, بیایید زودتر برویم.

Part 5: Grammar – Lesson A

There's and There are; Quantifiers

There is and There are: آنجا هست/ آنجا هستند

They are used to talk about existence.

آنها برای صحبت در مورد موجودیت استفاده میشوند.

There is → singular مفرد

There are → Plural جمع

Structures:

There is + singular noun

There are + plural noun

Examples:

11. *There is a book on the table.*

12. *There is a teacher in the class.*

13. *There are books on the table.*

14. *There are students in the class.*

15. *There is an outdoor café.*

6. *There are a lot of restaurants.*

7. *There are no clubs.*

8. *There is no mall.*

9. *There is a small park.*

10. *There is a new restaurant.*

Grammar – Lesson B

Questions with “What time”; suggestion with Let’s:

Questions with “What time”: It is used to ask about time.

برای پرسیدن در مورد زمان استفاده میشود.

Structures:

- **What time + do/ does + subject + verb?**
- **What time + is/ am/ are + subject + complement?**

Examples:

- | | |
|---|--|
| 1. <i>What time is it now?</i> | <i>It's 9:23.</i> |
| 2. <i>What time does the concert start?</i> | <i>It starts at nine o'clock.</i> |
| 3. <i>What time do supermarkets close?</i> | <i>(At) about 10:00 p.m.</i> |
| 4. <i>What time do you go out at night?</i> | <i>Usually around 8:00 or 8:30.</i> |
| 5. <i>What time are you going to be here?</i> | <i>At 7:00 a.m.</i> |
| 6. <i>What time is he coming?</i> | <i>By 2:30.</i> |
| 7. <i>What time am I supposed to go?</i> | <i>You are supposed to go at 12:00 o'clock</i> |

Let’s: It is used for suggestion.

بیاید: برای پیشنهاد دادن استفاده میشود.

Structure:

- **Let’s + verb (1st form)**

Examples:

1. *Let's go to school.*
2. *Let's do it.*
3. *Let's meet at 7:00 a.m.*
4. *Let's make a building.*
5. *Let's have fun.*

Part 6: Vocabulary List – Lesson A and B

No	Word	Meaning
1	Hungry	گرسنه
2	Starving	خیلی گرسنه (اگر خیلی گرسنه باشد ازین کلمه استفاده میشود)
3	Expensive	قیمت
4	Somewhere	یک جایی
5	Worry	نگرانی/ نگرانی کردن
6	Right	درست

7	Know	شناختن/ فهمیدن
8	Guide	راهنما
9	Village	قریه/ منطقه
10	Street	سرک
11	Buy	خریدن
12	Wonderful	فوق العاده
13	Unusual	غیر معمول
14	Boutique	دکان/ بوتیک
15	Website	وبسایت/ سایت اینترنتی
16	Famous	مشهور
17	Free	رایگان/ آزاد
18	Poetry	شعر
19	Chess	شطرنج
20	Full	سیر/ پر
21	Galleries	گالری/ اتاق نقاشی
22	Storefront	ویترین فروشگاه/ نمای بیرونی فروشگاه
23	Admission	ثبت نام/ پذیرش
24	Visitor	بازدید کننده
25	Courts	زمین

Part 7: Sentences – Lesson A and B

No	Sentence	Meaning
1	Are you hungry? I'm starving.	گرسنه هستی؟ من که خیلی گرسنه هستم؟
2	Me too. I don't usually have breakfast in the mornings.	من هم. من معمولاً صبحانه نمیخورم.
3	No, me neither. Do you know any good places to eat around here?	خیر، من هم همینطور. آیا در این اطراف جای خوبی برای غذا خوردن میشناسی؟
4	Well, there is a new café over there. It looks kind of nice.	خب، یک قهوه خانه جدید در آن طرف است. خوب به نظر میرسد.
5	Right. But I bet it's expensive. Let's try somewhere else.	درست. اما شرط میمانم که قیمتی است. بیا یک جای دیگر را امتحان کنیم.
6	I know. But don't worry – it's on me today.	میفهمم. اما نگران نباش – امروز من حساب میکنم.

7	Oh. Well, in this case, let's go there.	خب, در اینصورت, بیا برویم.
8	There are some wonderful stores and unusual boutiques.	آنجا فروشگاه های فوق العاده و بعضی دکان های عجیبی وجود دارد.
9	Stores are usually open between 11:00 a.m. and 8:00 p.m.	فروشگاه ها معمولا از ساعت 11 قبل از ظهر تا 8 شب باز هستند.
10	There are a lot of free events in this beautiful park – concerts, movies, poetry readings, and more!	اینجا رویداد / اتفاق های رایگان زیادی است – کنسرت ها, فیلم ها, شعر خوانی و خیلی چیز های بیشتر!
11	It's also the perfect place to just sit and enjoy some quite time and maybe play a chess game.	همچنان جای عالی است برای فقط نشستن و لذت بردن از آرامی و شاید هم بازی کردن یک دور شطرنج.
12	The exhibits changed through the year, and there is always something new to see.	نمایش ها در طول سال تغییر میکنند, و همیشه چیز های جدید زیادی برای دیدن است.
13	The galleries are open Tuesday through Saturday, and admission is free.	گالری ها از سه شنبه تا شنبه باز هستند و پذیرش رایگان میباشد.

**6th Exam Session: Unit 7 (T1) – Out and about
Study Guide – Grade 7 & 8**

Part 1: Vocabulary – Lesson A and B

<i>No</i>	<i>Word</i>	<i>Meaning</i>
1	Away	دور/ بیرون از
2	Relax	استراحت کردن
3	Voice mail	پست صوتی
4	Join	پیوستن
5	Cloudy	ابری
6	Resort	رفت و آمد مکرر
7	Lake	دریاچه
8	Call	زنگ زدن
9	Exercise	ورزش کردن
10	Aerobics	ایروبیک
11	Weight training	تمرین با وزنه
12	Bowling	بازی بولینگ
13	Karate	کاراته
14	Biking	بایسکل سواری
15	Exams	امتحانات

Part 2: Sentences – Lesson A and B

<i>No</i>	<i>Sentence</i>	<i>Meaning</i>
1	She usually relaxes on Saturdays, but she is working this weekend.	او معمولاً شنبه هارا استراحت میکند, اما این آخر هفته را در حال کار کردن است.
2	Right now she is taking a break and listening to her voice mail.	حالا او در حال گوش دادن به پست های صوتی و تفریح کردن است.
3	Come and join us!	بیا و به ما ملحق شو!
4	I'm sorry you are working.	متاسفم که شما در حال کار کردن هستید.
5	Give me a call later.	بعدا به من زنگ بزن.
6	I hope it's not raining there.	امیدوارم که آنجا باران در حال باریدن نباشد.
7	Who are you with?	شما با کی هستید؟

8	What is the weather like?	هوا چطوری است؟
9	So are you studying for your exams?	پس تو در حال خواندن برای امتحانات هستی؟
10	Yeah, I'm working very hard this semester.	بله، این سمستر من خیلی سخت در حال تلاش کردن هستم.
11	Enjoy your game!	از بازیات لذت ببرید.
12	Please try and study for your exams.	لطفاً کوشش کن برای امتحانات درس بخوانی.

Part 3: Grammar – Lesson A and B

Present continuous tense – present progressive tense

Present Continuous Tense:

Def: It shows an action that is happening at the time of speaking.

زمان حال جاری: عملی را نشان میدهد که در هنگام صحبت کردن در حال وقوع باشد.

Helping verb → present to be verbs (is/ am/ are)

Main verb → 1st (v) + ing

Structure:

Subject + is/am/are + 1st (v) + ing + object/ complement. +

Subject + is/am/are + not + 1st (v) + ing + object/ complement. -

Is/Am/ Are + subject + 1st (v) + ing + object/complement? ?

Some time words for present continuous tense:

بعضی از کلمات زمانی برای زمان حال جاری

<i>Now</i>	حالا
<i>Right now</i>	همین حالا
<i>At the moment</i>	در این لحظه
<i>Currently</i>	فعلاً
<i>These days</i>	در این روزها
<i>Today</i>	امروز
<i>Tonight</i>	امشب

Examples:

- | | |
|--|---|
| 1. <i>I am doing my homework right now.</i> | من در حال انجام دادن کارخانگی خود هستم همین حالا. |
| 2. <i>They are going to school now.</i> | آنها حالا در حال رفتن به مکتب هستند. |
| 3. <i>We are paying the bill these days.</i> | ما در این روزها در حال پرداخت بل ها هستیم. |
| 4. <i>He is cooking currently.</i> | او فعلاً در حال آشپزی کردن است. |

Continue...

Rules of adding “ing”:

قوانین اضافه نمودن "ing":

1. For most of the verbs just add “ing”.

برای بیشتر افعال فقط "ing" اضافه کنید.

Play → *playing*
Go → *going*
Read → *reading*
Work → *working*

2. If the verb ends in “e” and a consonant letter before it, remove “e” and add “ing”.

اگر فعل با "e" ختم شود و قبل از آن یک حرف بی صدا قرار داشته باشد، "e" را حذف کرده و "ing" اضافه کنید.

Make → *making*
Write → *writing*
Dance → *dancing*
Come → *coming*

3. If the verb ends in a consonant letter and a vowel letter before it, double the consonant and add “ing”.

اگر فعل با یک حرف بی صدا ختم شده باشد و قبل از آن یک حرف صدادار قرار داشته باشد، حرف بیصدای آخر را دو برابر کرده و "ing" اضافه کنید.

Run → *running*
Sit → *sitting*
Stop → *stopping*
Get → *getting*
Admit → *admitting*

4. For verbs ending in “ie”, change “ie” to “y” and add “ing”.

برای افعالیکه با "ie" ختم شدند، "ie" را به "y" تبدیل کرده و "ing" اضافه کنید.

Die → *dying*
Lie → *lying*
Tie → *tying*

Questions with present continuous tense using wh-words:**Structure:**Wh-words + is/am/are + subject + 1st (v) + ing + object/ complement?**Examples:**

1. *What are you doing these days?*
2. *What is Meraj watching on TV?*
3. *Who’s he talking to right now?*
4. *Who’s playing?*
5. *How are you doing it?*

Continue...

Examples:

1. *They are going to school now.*
They aren't going to school now.
Are they going to school now?
2. *I am doing my homework right now.*
I am not doing my homework right now.
Am I doing my homework right now?
3. *He is cooking.*
He isn't cooking.
Is he cooking?
4. *Ali is helping her mom.*
5. *Salim is acting like a lady.*
6. *The EBA program is working on girls education.*
7. *My teacher is looking at me.*
8. *Amir is eating food very fast.*
9. *The people are playing.*

Part 4: Vocabulary – Lesson C and D

No	Word	Meaning
1	Vacation	رخصتی
2	Cool	عالی
3	Exergaming	بازی های ورزشی
4	College	دانشکده/ دانشگاه/ کالج
5	Wet	تر
6	Virtual	مجازی
7	Humid	نمناک/ تر
8	Indoors	در داخل خانه
9	Motivating	انگیزه بخش
10	Pay	پرداختن
11	Trainer	معلم
12	Scores	نمرات
13	Equipment	تجهیزات/ وسایل
14	Member	عضو

15	Basic	ابتدایی
16	Different	مختلف
17	Outdoor	بیرون از خانه
18	Fees	فیس
19	Easy	آسان
20	Imperative	امری

Part 5 Sentences – Lesson C and D

No	Sentence	Meaning
1	How is it going?	چطور میگذرد؟
2	Really well. And I'm having a great time.	واقعا خوب. و وقتم عالی سپری میشود.
3	He's playing against a virtual tennis professional on his TV.	او در برابر یک بازیکن تنیس حرفه ای مجازی بازی میکند.
4	The weather is never a problem.	آب و هوا هرگز یک مشکل نیست.
5	Maybe it's hot and humid outside.	شاید بیرون گرم و مرطوب باشد.
6	Don't pay for an expensive personal trainer.	پول خرج یک معلم خصوصی قیمتی نکن.
7	Forget about monthly gym fees. Just buy the basic equipment and a game.	فیس ماهانه ورزشگاه را فراموش کن. فقط وسایل ابتدایی و همچنان یک بازی را بخر.
8	Video exercise games are popular with people of all ages, and it's easy to see why.	ویدیوهای بازی ورزشی بین تمام مردم از هر سن و سالی مشهور است و آسان است که بگوییم/ ببینیم چرا.
9	Are you enjoying it?	لذت میبری؟
10	What are you reading?	در حال خواندن چی هستید؟
11	I'm here for a week.	من برای یک هفته ای اینجا هستم.

**7th Exam Session: Unit 8 (T1) – Shopping
Study Guide – Grade 7 & 8**

Part 1: Vocabulary – Lesson A and B

<i>No</i>	<i>Word</i>	<i>Meaning</i>
1	Clothes	لباس ها
2	Wear	پوشیدن
3	Uniform	یونیفرم
4	Pants	شلوار
5	T-shirt	تی شرت/ پیراهن بدون یخن
6	Sneakers	کفش ورزشی
7	Lucky	خوش شانسی
8	Has to	باید
9	Hate	نفرت داشتن
10	Have to	باید
11	Suit	یک دست لباس/ لباس ست
12	Tie	نیکتایی
13	Jeans	شلوار جین/ شلوار نخی
14	Sweater	جاکت/ پلیور
15	Comfortable	راحت
16	Boss	رئیس
17	Designer	دیزان کننده/ طراح
18	Look	به نظر رسیدن
19	Skirt	دامن
20	Dressy	خوش پوش
21	Silk	حریر/ ابریشم
22	Blouse	بلوز
23	Jacket	جاکت
24	Heel	پاشنه
25	Baseball cap	کلاه بیسبال
26	Belt	کمر بند
27	Backpack	کیف پشتی

28	Briefcase	کیف اسناد
29	Purse	کیف پول
30	Socks	جوراب
31	Bracelet	انگوه / دستبند / چوری
32	Ring	انگشتر
33	Necklace	گردنبند
34	Earrings	گوشواره
35	Coat	کت
36	Boot	چکمه / بوت
37	Scarf	شال گردن / روسری / شال
38	Gloves	دستکش ها
39	Brown	قهوه ای
40	Gray	خاکستری
41	Anyway	به هر حال / در هر صورت

Part 2: Sentences – Lesson A and B

No	Sentence	Meaning
1	What kind of clothes do you like to wear?	چطور لباسهای دوست داری بپوشی؟
2	We don't have to wear uniforms at our school, so I like to wear pants, a T-shirt, and sneakers.	ما لازم نیست در مکتب یونیفرم بپوشیم پس من دوست دارم شلوار، تی شرت و کفش ورزشی بپوشم.
3	My friend has to wear a uniform, and she hates it.	دوستم باید یونیفرم بپوشد و او ازین متنفر است.
4	I have to wear a suit and tie to work.	من باید برای کار کت و شلوار و نیکتایی بپوشم.
5	After work, I just want to go home and put on jeans and an old sweater.	بعد از کار، فقط میخواهم بروم خانه و شلوار و جاکت قدیمی خودم را بپوشم.
6	My boss likes to wear designer clothes, so I need to look good, too.	رئیس دوست دارد لباس های طراحان را بپوشد پس من لازم است که خیلی خوب به نظر برسم.
7	I usually wear a nice skirt or dressy pants with a silk blouse, and a jacket, and high heels.	من معمولاً یک دامن خیلی خوب یا شلوار خوش پوش، بلوز ابریشمی، جاکت و پاشنه های بلند میپوشم.
8	How much are those gloves?	قیمت آن دستکش ها چند است؟
9	This scarf is on sale. It's only \$149.	آن شال برای فروش است. فقط \$149.

Part 3: Grammar – Lesson A and B**Like to, want to, need to, have to****Need to (لازم بودن/ نیاز داشتن):**

- Use it when something is necessary (important for you to do).

زمانی استفاده میشود که چیزی ضروری باشد.

Structure:

➔ Subject + need to + verb + object/complement.

Examples:

1. I need to get some sneakers.
 2. I need to study for the exam.
 3. We need to finish this today.
 4. I don't need to go there.
 5. Ali needs to buy something for himself.
-

Like to (دوست داشتن/ علاقه داشتن):

- Use it for habits or things you enjoy regularly.

زمانی استفاده میشود که عادت یا علاقه به انجام کاری داشته باشید

Structure:

➔ Subject + like to + verb + object/complement.

Examples:

1. I like to read books.
 2. He likes to play football.
 3. They like to watch movies.
 4. She like to act like a lady.
-

Want to (دوست داشتن/ علاقه داشتن):

- Use it when you desire something.
- It's the same as "like to" but stronger.

زمانی استفاده میشود که میل به (انجام) چیزی داشته باشی.

Structure:

➔ Subject + want to + verb + object/complement.

Examples:

1. I want to learn English.
2. She wants to travel abroad.
3. We want to buy a car.
4. I want to do it.

Continue...

Have to/ Has to (باید):

- It is used for obligation (a rule, law, or situation).

این برای اجبار, قانون, و یا شرایط استفاده میشود.

Structure:

➔ Subject + have to/ Has to + verb + object/complement.

Have to → I, we, you, they

Has to → He, she, it

Examples:

1. You have to observe the rules.
2. She has to be here on time.
3. I don't have to do wear a uniform.
4. I have to wake up early.
5. He doesn't have to do it by himself.

Part 4: Vocabulary – Lesson C and D

No	Word	Meaning
1	Look for	به دنبال چیزی گشتن
2	Silver	نقره
3	Mall	مرکز خرید
4	Designer	طراح
5	Celebrities	افراد مشهور
6	Souk	اسم بازار سنتی عربی
7	Traditional	مرسوم
8	Souvenir	سوغاتی
9	Shark	کوسه ماهی/ سگ دریایی
10	Safari	گردش در باغ وحش/ اسم یک سایت اینترنتی خرید و فروش
11	Fountains	فواره ها
12	Height	بلندی
13	Dive	شیرجه زدن/ فرو رفتن
14	Entertainment	سرگرمی
15	Life style	سبک زندگی

Part 5: Sentences – Lesson C and D

<i>No</i>	<i>Sentence</i>	<i>Meaning</i>
1	I'm looking for a bracelet.	من دنبال یک چوری / دستبند میگردم.
2	How much do you want to spend?	چقدر میخواهید هزینه کنید؟
3	We have these silver bracelets here.	ما این چوری های نقره را در اینجا داریم.
4	I need something for my sister.	من چیزی برای خواهرم لازم دارم.
5	If you want to buy a new outfit, you go to a mall.	اگر میخواهی یک لباس جدید بخری باید بروی به مرکز خرید.
6	If you want to see the sharks in an aquarium or listen to a world-class concert, where do you go?	اگر میخواهید کوسه ماهی هارا در آکواریوم ببینید یا به کنسرت جهانی گوش بدهید، کجا میروید؟
7	These days, malls are not just for shopping. They are important part of our lifestyle.	در این روزها، مرکز خرید ها فقط برای خرید نیستند. آنها یک بخش مهمی از سبک زندگی هستند.
8	You need to spend several days there if you want to visit every store.	اگر میخواهید از یک فروشگاه دیدن کنید باید روزهای زیادی را در آنجا سپری کنید.
9	There is an indoor entertainment park full of virtual reality experiences.	یک پارک سرگرمی سرپوشیده وجود دارد که پر از تجربه های حقیقی مجازی اند.
10	They are the height of a five-story building.	آنها به اندازه یک ساختمان 5 طبقه بلند هستند.
11	There are lots of other things to enjoy, too.	چیزهای دیگری نیز برای لذت بردن وجود دارند.
12	Just relax.	فقط استراحت کن.
13	Shop till you drop!	اینقدر خرید کن تا پا بیفتی!

Unit 9 (T1) – A wide world

Part 6: Grammar – Lesson A and B

Can and can't for possibility:

Can – Can't are used to talk about whether something is possible or not.

این دو برای صحبت در مورد اینکه چیزی ممکن است یا خیر استفاده میشود.

Can (for possibility - ممکن بودن)

→ Use can to say something is possible.

اگر چیزی ممکن باشد.

Example:

- It can rain today. ممکن است امروز باران بیارد.
- It is possible that it will rain. یعنی احتمالاً باران خواهد بارید.
- You can learn English fast with practice. شما میتوانید انگلیسی را با تمرین خیلی سریع یاد بگیرید.
- It is possible for you to do it. یعنی اینکار برای شما ممکن است.

Can't (for impossibility - ناممکن بودن)

اگر امکان وقوع چیزی نباشد.

→ Use can't to say something is not possible.

Example:

- This is too heavy. I can't lift it. این خیلی سنگین است. نمیتوانم بلند کنم.
- It is not possible for me to lift it. یعنی امکان ندارد که بتوانم بلندش کنم.
- You can't take pictures. شما نمیتوانید عکس بگیرید.
- It is impossible for you to take pictures. یعنی ممکن نیست که بتوانی عکس بگیری.

8th Exam Session: Unit 9 (T1) – A wide world
Study Guide – Grade 7 & 8

Part 1: Vocabulary – Lesson A and B

<i>No</i>	<i>Word</i>	<i>Meaning</i>
1	Sightseeing	سیر / دیدار از مناظر
2	Ferry	کشتی مسافربری
3	Statue of Liberty	آزادی مجسمه
4	Empire	امپراطوری
5	Broadways	سرک ها
6	Country	کشور
7	North	شمال
8	Asia	آسیا
9	Central	مرکزی
10	South	جنوب
11	Oceania	اقیانوسیه
12	French	فرانسوی
13	Thai	تایلندی
14	International	بین المللی
15	Portuguese	زبان پرتگالی
16	Dish	غذا
17	Indian	هندي
18	Compare	مقایسه کردن
19	City	شهر
20	Over there	در آنجا
21	Wide	وسیع/ بزرگ
22	World	جهان
23	Possible	امکان/ احتمال
24	Village	قریه
25	Castle	قلعه
26	Egypt	مصر

Part 2: Sentences – Lesson A and B

No	Sentence	Meaning
1	What can we do in New York in a day like this?	در چنین روز بارانی، در نیویورک چه کاری میتوانیم انجام دهیم؟
2	We can a ferry to the Statue of Liberty.	ما میتوانیم با یک کشتی به سمت مجسمه آزادی برویم.
3	We can go to the top of the Empire State Building.	ما میتوانیم به بالای برج امپایر استیت برویم.
4	My first language is Portuguese, but I can speak a little English, too.	زبان اصلی من پرتگالی است اما میتوانم کمی انگلیسی هم صحبت کنم.
5	What type of food don't you like?	چه غذاهایی را دوست نداری؟
6	Can you find good international restaurants in your city?	آیا میتوانی در شهر خود رستوران های بین المللی پیدا کنی؟
7	What languages can you speak?	به چه زبان های میتوانی صحبت کنی؟
8	There are no real castles in New York.	در نیویورک قلعه/ قصر واقعی وجود ندارد.
9	You can't see the views because it's raining.	تو نمیتوانی منظره هارا ببین بخاطر اینکه بارانی است.
10	A wide world	جهان وسیع/ دنیای وسیع

Part 3: Vocabulary – Lesson C and D

No	Word	Meaning
1	Ready	آماده
2	Order	سفارش دادن
3	Diet	وعده غذایی
4	Bread	نان
5	Snack	میان وعده/ غذای سبک
6	Souvenirs	سوغاتی
7	Traditional	سنتی/ مرسوم
8	Musical	آهنگ دار/ موزیکال
9	Instruments	آلات موسیقی
10	Visit	ملاقات کردن/ دیدار
11	Popular	مشهور
12	Exciting	هیجان انگیز
13	Destination	مقصد

14	Travel	سفر کردن
15	Guide	راهنما
16	Amazing	عالی/ شگفت انگیز
17	Contrast	فرق
18	Historic	تاریخی
19	Neighborhood	همسایگی
20	Churches	کلیسا
21	Narrow	باریک
22	Modern	مدرن/ جدید
23	Skyscrapers	آسمان خراش
24	Jewelry	جواهرات
25	Exhibits	نمایش/ آثار نمایشی
26	Famous	مشهور/ برجسته
27	Natural	طبیعی
28	Cable	ریسمان سیمی
29	Capital	پایتخت
30	Tourist	جهانگرد
31	Attraction	جاذبه
32	Crystal	کریستال/ بلور
33	Chandeliers	چلچراغ
34	Palace	کاخ
35	Stadium	ورزشگاه/ میدان ورزش
36	Sunset	غروب
37	Temples	معبد

Part 4: Sentences – Lesson C and D

No	Sentence	Meaning
1	Are you ready to order?	آماده هستید که سفارش بدهید؟
2	Um, can I have coffee ice cream with chocolate sprinkles?	امم، آیا میتوانم یک آیس کریم قهوه با دانه های شکلاتی داشته باشم؟
3	What are good souvenirs to buy?	چه سوغاتی های خوب اند که بخریم؟
4	Can you buy any traditional musical instruments?	آیا میتوانید آلات موسیقی سنتی بخرید؟
5	Bogota is a city of contrasts.	بوگوتا شهری پر از تضاد ها/ تفاوت ها است.
6	Don't miss the Gold Museum and its beautiful jewelry exhibits.	Gold Museum و نمایشگاه های زیبای جواهراتش را از دست ندهید.
7	Rio is famous for its beaches, mountains, and natural beauty.	ریو بخاطر سواحل , کوه ها و زیبایی طبیعی اش مشهور است.
8	There are also tourist attractions under the city!	جاذبه های گردشگری در زیر شهر هم وجود دارد!
9	In Beijing, you can experience the old and the new.	در بیجینگ, میتوانید هم دنیای قدیم و هم جدید را تجربه کنید.
10	Yeah, you can see the pyramids.	بله, میتوانی هرم ها را ببینی.

Unit 10 – Busy Lives

Part 5: Vocabulary List – Lesson A and B

No	Word	Meaning
1	Busy	مشغول/ مصروف
2	Wife	خانم/ همسر
3	Rent	کرایه
4	Try	تلاش کردن
5	Roommate	هم اتاقی
6	Flute	فلوت (ساز)
7	Stay	ماندن
8	Chat	چت کردن/ پیام دادن
9	Usual	معمولی
10	Invite	دعوت کردن
11	Typical	معمولی
12	Enjoy	لذت بردن
13	Sweater	جاکت
14	Appointment	قرار ملاقات
15	Midnight	نصف شب
16	Goodness	خوبی (اما به عنوان یک اصطلاح به معنای " خدای من!" است)
17	Exhausted	خسته/ کوفته
18	Hear	شنیدن
19	Lunch	غذای ظهر
20	Hospital	شفاخانه

Part 6: Sentences – Lesson A and B

No	Sentence	Meaning
1	My wife rented a movie, so we watched that.	خانم یک فلم گرفته بود پس ما آنرا تماشا کردیم.
2	I chatted online with my friend Jay.	من آنلاین با دوستم جی چت کردم.
3	I tried to study for a math exam while my roommate practiced her flute.	من تلاش کردم تا برای امتحان ریاضی آمادگی بگیرم در حالیکه هم اتاقی ام فلوت تمرین میکرد.

4	I didn't go out, I invited a couple of friends over, and we cooked dinner.	من بیرون نرفتم، من تعدادی از دوستان را دعوت کردن و دور هم شام پختیم.
5	I just worked late and then cleaned the house.	من تا دیر وقت کار کردم و خانه را پاک کردم.
6	I met someone interesting.	من یک شخص جالب را ملاقات کردم.
7	I wrote three reports.	من سه تا گزارش نوشتم.
8	I bought a sweater.	من یک جاکت خریدم.

Part 7: Grammar – Lesson A and B

Simple past tense

Simple past tense:

Def: It shows an action which happened at some clear time in the past.

زمان گذشته ساده: عملی را نشان میدهد که در یک زمان مشخص در گذشته رخ داده باشد.

Helping verb → Did

Main verb → 2nd (v) – second form of the verb

Structure:

Subject + 2nd (v) + object/ complement. +

Subject + did + not + 1st (v) + object/ complement. -

Did + subject + 1st (v) + object/ complement? ?

Note: In simple past tense, second form of the verb is just used in affirmative sentences. In interrogative and negative sentences, the second form of the verb (2nd (v)) changes into (1st (v)) first form of the verb because the helping verb “did” itself is the past form so that there is no need of another past verb.

نوت: در زمان گذشته، حالت دوم فعل فقط در جملات مثبت استفاده میشود. در جملات منفی و سوالی این حالت دوم فعل به حالت اول فعل تغییر میآید چونکه فعل کمکی "Did" خودش در زمان گذشته است بنابراین نیازی به فعل دیگری از گذشته نیست.

Rules of changing the verbs into the past form:

قوانین تبدیل نمودن افعال به شکل گذشته:

- **Regular verbs**

1. Most verbs are regular, so just add “ed”.

بیشتر از افعال با قاعده هستند پس فقط "ed" اضافه کنید.

Work → *worked*

Play → *played*

Watch → *watched*

Spelling rules:

- ✓ For verbs ending in “e”, just add “d”.

برای افعالیکه با "e" ختم شده اند فقط "d" اضافه کنید.

Live → *lived*

Love → *loved*

- ✓ If the verbs are ending in “y” with a consonant before it, change “y” to “i” and add “ed”.

اگر افعال با "y" ختم شدند و قبل از آن یک حرف بیصدا باشد "y" را به "i" تبدیل کرده و "ed" اضافه کنید.

Study → *studied*

Try → *tried*

- ✓ If the verbs are ending with a consonant letter and just one vowel letter before it, double the last consonant and add “ed”.

اگر افعال با یک حرف بیصدا ختم شده و قبل از آن تنها یک حرف صدادار باشد، حرف بیصدای آخر را دو برابر کرده و "ed" اضافه کنید.

Stop → *stopped*

Plan → *planned*

Examples:

1. *I did my homework.*
I didn't do my homework.
Did I do my homework?
2. *She worked hard.*
She didn't work hard.
Did she work hard?
3. *They stopped the car.*
They didn't stop the car.
Did they stop the station?
4. *He played a video game.*
He didn't play a video game.
Did he play a video game?
5. *You studied math.*
You didn't study math.
Did you study math?
6. *He watched a movie.*
He didn't watch a movie.
Did he watch a movie?
7. *We cooked Italian food.*
We didn't cook Italian food.
Did we cook Italian food?
8. *They chatted online.*
They didn't chat online.
Did they chat online?
9. *I saw him at home.*
I didn't see him at home.
Did I see him at home?
10. *I met someone interesting.*
I didn't meet someone interesting.
Did I meet someone interesting?

List of common verbs			
No	Base Form	Past Simple	Past Participle
1	<i>accept</i>	<i>accepted</i>	<i>accepted</i>
2	<i>add</i>	<i>added</i>	<i>added</i>
3	<i>ask</i>	<i>asked</i>	<i>asked</i>
4	<i>bake</i>	<i>baked</i>	<i>baked</i>
5	<i>call</i>	<i>called</i>	<i>called</i>
6	<i>clean</i>	<i>cleaned</i>	<i>cleaned</i>
7	<i>close</i>	<i>closed</i>	<i>closed</i>
8	<i>cook</i>	<i>cooked</i>	<i>cooked</i>
9	<i>dance</i>	<i>danced</i>	<i>danced</i>
10	<i>enjoy</i>	<i>enjoyed</i>	<i>enjoyed</i>
11	<i>help</i>	<i>helped</i>	<i>helped</i>
12	<i>jump</i>	<i>jumped</i>	<i>jumped</i>
13	<i>learn</i>	<i>learned</i>	<i>learned</i>
14	<i>listen</i>	<i>listened</i>	<i>listened</i>
15	<i>look</i>	<i>looked</i>	<i>looked</i>
16	<i>love</i>	<i>loved</i>	<i>loved</i>
17	<i>open</i>	<i>opened</i>	<i>opened</i>
18	<i>play</i>	<i>played</i>	<i>played</i>
19	<i>rain</i>	<i>rained</i>	<i>rained</i>
20	<i>start</i>	<i>started</i>	<i>started</i>
21	<i>talk</i>	<i>talked</i>	<i>talked</i>
22	<i>use</i>	<i>used</i>	<i>used</i>
23	<i>walk</i>	<i>walked</i>	<i>walked</i>
24	<i>wash</i>	<i>washed</i>	<i>washed</i>
25	<i>work</i>	<i>worked</i>	<i>worked</i>
26	<i>watch</i>	<i>watched</i>	<i>watched</i>

27	<i>study</i>	<i>studied</i>	<i>studied</i>
28	<i>visit</i>	<i>visited</i>	<i>visited</i>
29	<i>plan</i>	<i>planned</i>	<i>planned</i>
30	<i>fix</i>	<i>fixed</i>	<i>fixed</i>
31	<i>paint</i>	<i>painted</i>	<i>painted</i>
32	<i>order</i>	<i>ordered</i>	<i>ordered</i>
33	<i>answer</i>	<i>answered</i>	<i>answered</i>
34	<i>move</i>	<i>moved</i>	<i>moved</i>
35	<i>change</i>	<i>changed</i>	<i>changed</i>
36	<i>drop</i>	<i>dropped</i>	<i>dropped</i>
37	<i>save</i>	<i>saved</i>	<i>saved</i>
38	<i>cleanse</i>	<i>cleansed</i>	<i>cleansed</i>
39	<i>be</i>	<i>was/were</i>	<i>been</i>
40	<i>become</i>	<i>became</i>	<i>become</i>
41	<i>begin</i>	<i>began</i>	<i>begun</i>
42	<i>break</i>	<i>broke</i>	<i>broken</i>
43	<i>bring</i>	<i>brought</i>	<i>brought</i>
44	<i>build</i>	<i>built</i>	<i>built</i>
45	<i>buy</i>	<i>bought</i>	<i>bought</i>
46	<i>catch</i>	<i>caught</i>	<i>caught</i>
47	<i>choose</i>	<i>chose</i>	<i>chosen</i>
48	<i>come</i>	<i>came</i>	<i>come</i>
49	<i>cost</i>	<i>cost</i>	<i>cost</i>
50	<i>cut</i>	<i>cut</i>	<i>cut</i>
51	<i>do</i>	<i>did</i>	<i>done</i>
52	<i>draw</i>	<i>drew</i>	<i>drawn</i>
53	<i>drink</i>	<i>drank</i>	<i>drunk</i>
54	<i>drive</i>	<i>drove</i>	<i>driven</i>

55	<i>eat</i>	<i>ate</i>	<i>eaten</i>
56	<i>fall</i>	<i>fell</i>	<i>fallen</i>
57	<i>feel</i>	<i>felt</i>	<i>felt</i>
58	<i>fight</i>	<i>fought</i>	<i>fought</i>
59	<i>find</i>	<i>found</i>	<i>found</i>
60	<i>fly</i>	<i>flew</i>	<i>flown</i>
61	<i>forget</i>	<i>forgot</i>	<i>forgotten</i>
62	<i>forgive</i>	<i>forgave</i>	<i>forgiven</i>
63	<i>freeze</i>	<i>froze</i>	<i>frozen</i>
64	<i>get</i>	<i>got</i>	<i>got/gotten</i>
65	<i>give</i>	<i>gave</i>	<i>given</i>
66	<i>go</i>	<i>went</i>	<i>gone</i>
67	<i>grow</i>	<i>grew</i>	<i>grown</i>
68	<i>hang</i>	<i>hung</i>	<i>hung</i>
69	<i>have</i>	<i>had</i>	<i>had</i>
70	<i>hear</i>	<i>heard</i>	<i>heard</i>
71	<i>hide</i>	<i>hid</i>	<i>hidden</i>
72	<i>hit</i>	<i>hit</i>	<i>hit</i>
73	<i>hold</i>	<i>held</i>	<i>held</i>
74	<i>keep</i>	<i>kept</i>	<i>kept</i>
75	<i>know</i>	<i>knew</i>	<i>known</i>
76	<i>lay</i>	<i>laid</i>	<i>laid</i>
77	<i>lead</i>	<i>led</i>	<i>led</i>
78	<i>leave</i>	<i>left</i>	<i>left</i>
79	<i>lend</i>	<i>lent</i>	<i>lent</i>
80	<i>let</i>	<i>let</i>	<i>let</i>
81	<i>lie</i>	<i>lay</i>	<i>lain</i>
82	<i>lose</i>	<i>lost</i>	<i>lost</i>

83	<i>make</i>	<i>made</i>	<i>made</i>
84	<i>mean</i>	<i>meant</i>	<i>meant</i>
85	<i>meet</i>	<i>met</i>	<i>met</i>
86	<i>pay</i>	<i>paid</i>	<i>paid</i>
87	<i>put</i>	<i>put</i>	<i>put</i>
88	<i>read</i>	<i>read</i>	<i>read</i>
89	<i>ride</i>	<i>rode</i>	<i>ridden</i>
90	<i>ring</i>	<i>rang</i>	<i>rung</i>
91	<i>run</i>	<i>ran</i>	<i>run</i>
92	<i>say</i>	<i>said</i>	<i>said</i>
93	<i>see</i>	<i>saw</i>	<i>seen</i>
94	<i>sell</i>	<i>sold</i>	<i>sold</i>
95	<i>send</i>	<i>sent</i>	<i>sent</i>
96	<i>set</i>	<i>set</i>	<i>set</i>
97	<i>shake</i>	<i>shook</i>	<i>shaken</i>
98	<i>shine</i>	<i>shone</i>	<i>shone</i>
99	<i>shoot</i>	<i>shot</i>	<i>shot</i>
100	<i>show</i>	<i>showed</i>	<i>shown</i>
101	<i>shut</i>	<i>shut</i>	<i>shut</i>
102	<i>sing</i>	<i>sang</i>	<i>sung</i>
103	<i>sit</i>	<i>sat</i>	<i>sat</i>
104	<i>sleep</i>	<i>slept</i>	<i>slept</i>
105	<i>speak</i>	<i>spoke</i>	<i>spoken</i>
106	<i>spend</i>	<i>spent</i>	<i>spent</i>
107	<i>stand</i>	<i>stood</i>	<i>stood</i>
108	<i>steal</i>	<i>stole</i>	<i>stolen</i>
109	<i>swim</i>	<i>swam</i>	<i>swum</i>
110	<i>take</i>	<i>took</i>	<i>taken</i>

111	<i>teach</i>	<i>taught</i>	<i>taught</i>
112	<i>tell</i>	<i>told</i>	<i>told</i>
113	<i>think</i>	<i>thought</i>	<i>thought</i>
114	<i>throw</i>	<i>threw</i>	<i>thrown</i>
115	<i>understand</i>	<i>understood</i>	<i>understood</i>
116	<i>wear</i>	<i>wore</i>	<i>worn</i>
117	<i>win</i>	<i>won</i>	<i>won</i>
118	<i>write</i>	<i>wrote</i>	<i>written</i>
119	<i>kneel</i>	<i>knelt</i>	<i>knelt</i>
120	<i>bet</i>	<i>bet</i>	<i>bet</i>
121	<i>spread</i>	<i>spread</i>	<i>spread</i>
122	<i>cling</i>	<i>clung</i>	<i>clung</i>
123	<i>creep</i>	<i>crept</i>	<i>crept</i>

This chapter is primarily based on the Touchstone textbook series as the main reference source.

Feedback and Contact

If you find any mistakes or would like to share suggestions for improvement, I would be very grateful to hear from you.

- **Email:** ebrahimi55@gmail.com
- **Phone/WhatsApp:** +93 764754032